

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، زمستان ۱۳۸۱، بهار ۱۳۸۲

نفت و سازمان تجارت جهانی

دکتر محمود حائریان اردکانی*

چکیده

نفت حدود نصف وزن جهانی را تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیت این کالا چرا بحث نفت مانند سایر کالاها در سازمان تجارت جهانی مطرح نمی‌شود؟ آیا علت این کار ترجیح کشورهای ثروتمند مصرف کننده نفت نیست؟ این کشورها علی‌رغم این که با تشکیل اوپک تاحدی به نقش بازار در تعیین قیمت نفت تن رضایت داده‌اند، ولی بیشتر مایل هستند که قیمت نفت تابعی از مسائل سیاسی که بیشتر در کنترل آنهاست باشد. در مقابل کشورهای صادرکننده نفت انتظار دارند با شمول بحث نفت در سازمان تجارت جهانی، حقوق گمرکی بر واردات نفت در کشورهای واردکننده صنعتی کاهش یابد و با افزایش تقاضا برای نفت در آمدشان افزایش یابد.

وقتی بحث نفت مانند دیگر کالاها در مذاکرات سازمان جهانی تجارت وارد شود و قیمت‌گذاری آن در شرایط آزاد و رقابتی انجام گیرد، عوامل سیاسی و روابط غیرمتعادل بین کشورهای واردکننده و صادرکننده نفت

دیگر نقشی در تعیین قیمت نفت نخواهد داشت و نفت از حالت یک کالای استراتژیک و سیاسی به یک کالای معمولی تبدیل خواهد شد. با عضویت یافتن بیشتر کشورهای صادرکننده نفت در سازمان جهانی تجارت، ورود و رقابت شرکت‌های بین‌المللی نفتی در این کشورها افزایش یافته و باعث بالا رفتن کارآیی در بخش نفت و بالتبع سرایت آن به بخش‌های دیگر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت می‌شود. در مقابل کشورهای صادرکننده نفت اختیار سیاست‌گذاری انرژی خود را از دست خواهند داد.

مقدمه

کشورهای پیشرفته مصرف‌کننده نفت در غیاب قانون‌مندی در تجارت نفت، از یک طرف به مسأله وجود قیمت‌های دوگانه نفت در کشورهای صادرکننده نفت اعتراض دارند و از طرف دیگر انتظار دارند به علت پایین بودن نسبی هزینه تولید نفت در این کشورها، این کالا به وفور و با قیمت پایین به بازار جهانی عرضه شود. در مجموع آنها خواهان کاهش قیمت نفت صادراتی و افزایش قیمت نفت مصرفی در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت هستند. این خواست قطعاً باعث رکود رشد اقتصادی در این کشورها و مغایر با تمهیدات سازمان جهانی تجارت برای کمک به توسعه کشورهای در حال توسعه است. به علاوه وجود انواع تعرفه‌ها و مالیات‌های داخلی که بر نفت و فرآورده‌های نفتی در کشورهای مصرف‌کننده اعمال می‌شود، سعی اپک رادر عرضه نفت به یک قیمت متعادل باطل می‌سازد. در بعضی از موارد مالیاتی که به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود تا ۹۰ درصد قیمت فروش نفت می‌رسد. همچنین کشورهای مصرف‌کننده نفت برای کاهش وابستگی خود به نفت، اقدام به پرداخت سوبسیدهای هنگفت برای توسعه انرژی‌های دیگر و ذخیره سازی نفت کرده‌اند.

پس از تشکیل سازمان جهانی تجارت، به علت اهمیتی که نفت در اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت دارد، اعتباری که این سازمان جدی‌التاسیس در بین کشورهای جهان کسب کرده است و مزایایی که کشورهای صادرکننده نفت از وارد شدن بحث نفت در سازمان یاد شده

می‌بینند، اکثر این کشورها خواهان شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت هستند. علاوه بر این کشورهای صادر کننده نفت که تاکنون عضو سازمان یاد شده نبوده‌اند هم تمایل به عضویت در این سازمان دارند. اثرات عضویت در سازمان جهانی تجارت بر معاملات مواد نفتی و فرآورده‌های آن اولین بار در سال ۱۹۹۴ در یک سمینار منطقه‌ای در کازابلانکا مطرح شد. از سال ۱۹۹۶ تا سال ۱۹۹۹ هم در ۸ نشست و مجمع گوناگون بین المللی این موضوع مطرح گردیده است.

سازمان جهانی تجارت، محلی برای انجام مذاکرات در مورد موضوعات مربوط به موافقت‌نامه‌ها و همچنین مذاکرات در مورد روابط تجاری چند جانبه و چارچوبی برای ایجاد روابط بهتر تجاری و اجرای قوانین تجاری بین اعضا است. چون دو گروه از اعضا تولید کنندگان و مصرف کنندگان نفت هستند، این تعریف می‌تواند در مورد آنها نیز مصداق داشته باشد. امید کشورهای در حال توسعه این است که بتوانند از منابع طبیعی انرژی خود به طور مؤثر در راه توسعه استفاده کنند و برای فروش محصولات نفتی خود به بازارهای جهانی دسترسی داشته باشند.

در این مقاله کوشش شده است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱- چرا نفت در سازمان تجارت جهانی مطرح نمی‌شود؟
- ۲- مزایای مطرح شدن بحث نفت در سازمان تجارت جهانی چیست؟
- ۳- چه بحث‌هایی در رابطه با نفت در گات انجام شده است؟ کشورهای صادر کننده نفت از چه موادی از موافقت‌نامه‌های گات می‌توانند در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده کنند؟
- ۴- در دوراروگوئه در مورد تعرفه‌های نفت و فرآورده‌های نفتی چه مذاکراتی انجام شده و نتیجه آن چه بوده است؟
- ۵- محتوای مذاکرات آینده در مورد نفت چه چیز می‌تواند باشد؟
- ۶- شمول نفت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی چه اثری بر اعضا سازمان مذکور خواهد داشت؟

- ۷- شمول نفت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی بر کشورهای غیر عضو سازمان چه اثری خواهد داشت؟
- ۸- شمول نفت بر صنایع جانبی کشورهای غیر عضو سازمان تجارت جهانی چه خواهد بود؟

چرا نفت در سازمان جهانی تجارت مطرح نمی‌شود؟

نفت علاوه بر اینکه یک کالای استراتژیک هم هست و قبل از تشکیل گات، نفت اهمیت خود را در دو جنگ جهانی نشان داده است. در مذاکرات اولیه گات اغلب حوزه‌های نفتی در آمریکای شمالی، خاورمیانه و شرق آسیا تحت کنترل شرکت‌های چند ملیتی که در مالکیت شهروندان آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی بود، قرار داشت و این شرکت‌ها برای این که در کنترل این منابع مشکلی نداشته باشند، راضی به طرح مسأله نفتی در گات نبودند و معتقد بودند که ورود این بحث به گات آن را سیاسی می‌کند. علاوه بر این، در این زمان صادر کنندگان عمده نفت عضو سازمان جهانی تجارت نبودند. سازمان جهانی تجارت که در اصول، خود را مدافع تجارت آزاد در جهان می‌داند درخواست گروهی از کشورهای خلیج فارس را برای قرار دادن نفت در دستور کار این سازمان رد کرده است. آیا علت این کار منافع سرشار آمریکا و مخصوصاً اروپا از عدم شمول نفت در مذاکرات چند جانبه سازمان جهانی تجارت نیست؟ نفت کالای منحصربفردی است که به تنهایی حدود نصف وزن تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد، ولی به علت این که نظام تولید، توزیع و قیمت گذاری آن رقابتی نیست منافع این تجارت به طور عادلانه بین کشورهای تولید کننده و مصرف کننده تقسیم نمی‌شود. مقایسه درآمد کشورهای اروپایی از مالیات برفروش نفت با درآمد کشورهای صادر کننده نفت از صادرات نفت شاهدی بر این مدعا است. در سال ۱۹۹۸ در آمد مالیات بر فرآورده‌های نفتی که نصیب ۴ دولت اروپایی شده است بیشتر از درآمد ۱۱ کشور عضو اپک بوده است. در حال حاضر به طور متوسط از یک دلار پولی که مصرف کننده بابت مصرف مواد نفتی می‌پردازد ۷۰ سنت به عنوان مالیات به دولت وارد کننده نفت و فقط ۲۰ سنت به تولید کننده نفت می‌رسد. در آلمان مصرف کننده، ۱۲۰ دلار برای یک بشکه ۱۵۹ لیتری نفت می‌پردازد در حالی که از این قیمت فقط چیزی بین ۱۳-۱۰ دلار نصیب تولید کننده می‌شود،

۷۰ دلار به خزانه دولت آلمان وارد می‌شود و بقیه آن صرف هزینه‌های حمل، توزیع و پالایش می‌گردد. مبلغ دریافت شده از واردات نفت تحت عنوان حقوق گمرکی و مالیات چیزی حدود ۱۶-۱۵ درصد بودجه دولت آلمان را تشکیل می‌دهد.

به علاوه، اروپا سعی دارد که برای حفظ قدرت و ثروت خود با ایالات متحده رقابت کند. کشورهای اروپایی ناچارند برای تثبیت اوضاع سیاسی و حفظ قدرت خود به اقشار مختلف جامعه مانند کارگران، کشاورزان و هنرمندان یارانه پرداخت کنند. پرداخت این یارانه فقط از راه دریافت مالیات بردرآمدهای نفتی میسر است. با وارد شدن نفت در سازمان جهانی تجارت، دولت‌های اروپایی از میلیاردها دلار درآمد نفتی محروم خواهند شد. روی این اصل دولت‌های اروپایی، کشورهای صادر کننده نفت غیر عضو سازمان جهانی تجارت را که قصد مطرح کردن نفت در این سازمان را دارند، تهدید به عدم الحاق می‌کنند.

اروپا و آمریکا علت رد این درخواست را کنترل اپک بر بازار نفت دنیا می‌دانند. در حالی که این یک نقض غرض است، چون اگر هم انحصار و کنترل اپک بر بازار نفت حاکم باشد، اولین سازمانی که مأموریت رفع این انحصار را دارد سازمان جهانی تجارت است. این سازمان باید در جهت تحقق اهداف خود یعنی آزاد سازی تجاری که منافعی به تولید کننده و مصرف کننده به طور همزمان می‌رسد با کارتل اپک مقابله کند. از این رفتار می‌توان نتیجه گرفت که بازار نفتی مورد پذیرش اروپا و آمریکا است، که به جای حاکم بودن عوامل اقتصادی و رقابتی در آن عوامل سیاسی و قدرت‌مداری کشورهای بزرگ در تصمیم‌گیری‌های تولید و قیمت گذاری آن مؤثر باشد. این روش قبل از بحران اول نفت در سال ۱۹۷۳ به طور کامل معمول بود. بین سالهای ۷۰-۱۹۵۰ قیمت نفت در دنیا به علت وجود انحصار شرکت‌های نفتی بین‌المللی ثابت بود. پس از فعال شدن اپک و تغییر ساختار بازار نفت قیمت نفت از ثبات خارج شد و به جای تبعیت از شرایط اقتصادی تابع یک رشته عوامل سیاسی گردید. پس از دهه ۱۹۷۰ بعد از یک دوره حاکمیت نسبی اپک بر بازار، مجدداً اپک به علت عدم هماهنگی کشورهای عضو و نیاز اکثر اعضای آن به درآمد

بیشتر نقش زیادی در کنترل بازارنفت نداشت و فشارها و سیاست‌های نفتی کشورهای مصرف کننده نفت باعث تضعیف این سازمان شد.

مزایای مطرح شدن بحث نفت در سازمان جهانی تجارت

یکی از دلایل استثنا شدن نفت در مذاکرات گات و سازمان جهانی تجارت، عدم عضویت صادر کنندگان عمده نفت در این سازمان قبل از دهه ۱۹۹۰ است. روی این اصل اغلب کشورهای صادر کننده نفت اکنون در حال مذاکره برای الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند. شمول نفت در سازمان جهانی تجارت باعث کم اثر تر شدن موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در ورود به بازار، حذف یا کاهش مالیات‌هایی که مصرف کننده می‌پردازد و دیگر عواملی که علیه منافع تولید کننده است می‌شود. به علاوه این که صادر کنندگان نفت می‌تواند از مکانیسم رفع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بهره ببرند.

اطلاعات در مورد قراردادهای تجارت آزاد بین ونزوئلا، شیلی و آرژانتین نشان می‌دهد که تجارت آزاد عاملی در گسترش دسترسی به بازار برای این کشورها بوده است. در سال ۱۹۹۳، ونزوئلا با خروج نفت از موافقت نامه تجارت آزاد خود با شیلی، به دلیل نیاز شیلی به درآمد بیشتر از محل حقوق گمرکی بر واردات نفت موافقت کرد. در سال ۱۹۹۶ براساس قراردادی که طبق آن شیلی به عضویت بازار مشترک جنوب درآمد آرژانتین بر آزاد بودن نفت تأکید کرد، صادرات نفت ونزوئلا به شیلی افزایش نیافت ولی در مقابل نفت آرژانتین به شیلی سرازیر شد. شمول بحث نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت بر کشورهای صادر کننده نفت اثرات متفاوتی دارد. تأثیر این موضوع بستگی به دوام منابع نفتی کشورها، ساختار اقتصادی و ترکیب صادرات نفتی و درجه توسعه یافتگی آنها بستگی دارد.

نفت در گات

بحث نفت تا سال ۱۹۷۰ در گات مطرح نبود و هیچگونه مذاکره‌ای در مورد تعرفه نفت و فرآورده‌های آن انجام نشده بود. در دواروگونه کاهش عمده‌ای در تعرفه‌های فرآورده‌های نفتی

براساس اصل دولت کامله الوداد ایجاد شد. در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات^۱ چهارچوبی برای مذاکره درباره تعهدات تجارت خدمات مرزی نظیر لوله نفت و حمل دریایی و حضور بازرگانی^۲ مانند سرمایه‌گذاری خارجی در میدان‌های نفتی و توزیع بنزین و جابه‌جایی اشخاص حقیقی نظیر ورود افراد خارجی برای انجام خدمات اکتشاف و دیگر خدمات تعیین شد.

شوگ نفتی دهه ۱۹۷۰، آسیب‌پذیری کشورهای متکی به واردات نفت را نشان داد و باعث شد که در مذاکرات دورتوکیو (۱۹۷۳-۷۹) مسأله جلوگیری از محدود کردن صادرات به رهبری آمریکا مطرح گردد. در دوران‌گونه اقداماتی در جهت شمول نفت و فرآورده‌های نفتی در مذاکرات صورت گرفت. این کار بیشتر در حوزه گروه مذاکره‌کننده درباره محصولات تولید شده از منابع طبیعی بود. موضوع اصلی مذاکره این گروه درباره قیمت دوگانه نفت در کشورهای صادرکننده نفت و رفع محدودیت از صادرات بود. گروه زیادی از کشورهای در حال توسعه با انجام مذاکره توسط گروه یاد شده مخالفت کردند. آنها معتقد بودند که وظیفه گروه مذاکره‌کننده درباره تولیدات حاصل از منابع طبیعی مذاکره در مورد جنگل، ماهی‌گیری، و فلزات و مواد معدنی غیرفلزی و سعی در آزادسازی هر چه بیشتر تجارت این محصولات است. طبق این نظر مذاکرات باید روی مسایل دسترسی به بازار نظیر تعرفه‌ها، افزایش تعرفه و عوامل غیر تعرفه‌ای متمرکز شود.

همچنین، نظرات کشورهای مختلف در مورد قیمت دوگانه و محدود کردن صادرات مواد نفتی و عوامل دیگری که بر صادرات مواد اولیه اثر می‌گذارد متفاوت بود. گروهی عقیده داشتند که محدود کردن صادرات باید با توجه به قسمت الف بند ۲ ماده ۱۱،^۳ بند «ز» ماده ۲۰^۴ و بند ۹

1. General Agreement on Trade in Services

2. Commercial Presence

۳. ممنوعیت یا محدودیت موقت صادرات کالاها یا بخصوص برای رفع یا کاهش کمبودهای عمده در مواد غذایی یا کالاهایی که برای تولید کالاها یا صادرات یک کشور حیاتی است جزء محدودیت‌های کمی محسوب نمی‌شود.

۴. ممنوعیت یا محدودیت موقت صادرات برای صرفه‌جویی در استفاده از منابع پایان پذیر طبیعی وقتی که همراه با محدودیت‌هایی در تولید یا مصرف داخلی باشد مجاز است.

ماده ۱۸^۱ که محدودیت صادرات رادر موارد کمبود شدید، صرفه جویی و نیازهای توسعه مجاز می‌داند، اعمال شود. ایالات متحده معتقد بود که مذاکرات باید در چارچوب اصول حاکم بر تجارت محصولات تولید شده از منابع طبیعی باشد و به صورت ماده‌ای از مواد گات در آید. در مقابل جامعه اروپا معتقد بود که قیمت دوگانه و محدودیت صادرات موارد عام هستند. در نهایت ایالات متحده پیشنهاد کرد که مذاکرات در مورد قیمت دوگانه و محدودیت صادرات به وسیله گروه مذاکره کننده سوبسیدها و عوارض جبرانی انجام شود.

یکی از اصول اولیه نظام تجارت بین المللی نحوه حمایت مجاز دولت‌ها از محصولات داخلی است. حمایت فی نفسه در گات منع نشده است، ولی در ماده ۱۱ در مورد حذف محدودیت‌های کمی آمده است که هیچ محدودیتی بغیر از حقوق گمرکی، مجاز نیست و مالیات‌ها و سایر عوارض چه از طریق ایجاد سهمیه، مجوز صادرات و واردات و چه بوسیله روش‌های دیگر نباید هیچ یک از طرفین قرارداد در مورد واردات یا صادرات یک کالا وجود داشته باشد. این مفهوم با ماده ۱۳ (عدم تبعیض در اعمال محدودیت کمی) تکمیل می‌گردد. در مجموع مقررات یاد شده بدین معنی است که هر گونه حمایت از صنایع داخلی باید فقط از طریق اعمال تعرفه باشد (بوسیله اثر بر قیمت کالا) نه بوسیله عواملی نظیر محدودیت‌های کمی، مجوز واردات و صادرات و اجازه قبل از واردات که به طور مستقیم بر حجم کالای وارد شده اثر می‌گذارند.

بند یک ماده ۱۱^۲ می‌تواند برای کشورهای صادر کننده نفت که در حال حاضر به بخش خصوصی اجازه فعالیت در تمام مراحل صنعت نفت را داده‌اند و یا در این جهت حرکت می‌کنند (نظیر ونزوئلا) اهمیت داشته باشد. در حالی که به حداکثر رساندن تولید ممکن است معقول‌ترین سیاست کشورهای صادر کننده نفت در سال‌های آینده باشد، ممکن است با سیاست اپک در تنظیم محدودیت صادرات برای کنترل قیمت در بازار در تعارض باشد. از طرف دیگر با وجود

۱. برای حفظ موفقیت مالی خارجی و اطمینان از داشتن ذخیره ارزی کافی جهت اجرای برنامه‌های توسعه، یک کشور می‌تواند سطح عمومی واردات را چه بر حسب مبلغ و چه بر حسب مقدار کنترل کند.

۲. هیچگونه ممنوعیت یا محدودیتی بغیر از حقوق گمرکی، مالیات‌ها یا عوارض از طریق اعمال سهمیه، مجوز صادرات یا واردات یا سایر اقدامات نمی‌تواند بر واردات یا صادرات یک طرف متعاقد اعمال نمود.

ممنوعیت محدودیت صادرات برای کنترل قیمت در بازار در تعارض باشد. از طرف دیگر با وجود ممنوعیت محدودیت کمی که شامل واردات و صادرات می‌شود، قسمت «ب» بند ۲ ماده ۱۱ محدودیت‌های کمی که برای بازاریابی در بازار جهانی لازم است را مجاز می‌داند. قسمت یاد شده توسط هیأت داوران^۱ گات به نحوی تفسیر شد که گمان می‌رود می‌تواند مجوزی برای ایجاد محدودیت‌های کمی برای صادرات نفت و فرآورده‌های آن باشد. تهیه کنندگان ماده ذکر شده توافق کردند که این ماده می‌تواند شامل محدودیت صادرات کالاهایی باشد که در مدت طولانی‌تری به بازار عرضه می‌شود.

بسیاری از استثنائات عام گات در ماده ۲۰ ذکر شده است. از این استثنائات بندهای «ز»، «ط»، «ح» بیشتر به نفت مربوط است و انتظار می‌رود که اعضای سازمان جهانی تجارت در آینده بیشتر بر این استثنائات تکیه کنند. به هر حال یادآوری این نکته مهم است که استثنائات ماده ۲۰ محدود و مشروط هستند. یکی از استثنائاتی که در سال‌های اخیر مورد توجه زیاد دوست داران حفظ محیط زیست قرار گرفته است بند «ب» ماده ۲۰ می‌باشد که اجازه استفاده از وسایل لازم برای حفاظت از جان و سلامتی انسان، حیوان و گیاه را می‌دهد. تفسیر لغت «لازم» بوسیله هیأت داوران گات این است که «لازم» زمانی است که هیچگونه وسیله دیگری که مورد قبول گات باشد وجود نداشته باشد و یا وسیله‌ای که محدودیت آن کمتر از وسیله مورد نظر باشد، موجود نباشد.

بند «ز» ماده ۲۰^۲ استثناء دیگری را در رابطه با وسایل صرفه جویی در منابع طبیعی پایان پذیر در صورتی که از این وسایل همراه با محدودیت بر تولید و مصرف داخلی استفاده شود در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد که این استثناء نیاز کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت را در رابطه با تنظیم سیاست‌های صادراتی برآورده سازد. نکته اصلی این استثناء ارتباط آن با محدودیت‌های تولید و مصرف داخلی است. به عبارت دیگر در موقع بروز اختلاف تجاری در مورد محدودیت‌های صادرات در بخش نفت، سوال اساسی حدود محدودیت‌های تولید و یا مصرف

1. Panel

۲. اعمال محدودیت بر صادرات مواد داخلی برای اطمینان از عرضه کافی برای تولید در دوره‌هایی که قیمت‌های داخلی این مواد به عنوان بخشی از برنامه تثبیت اقتصادی دولت پایین‌تر از سطح جهانی نگهداشته شده است، مجاز است.

داخلی و درجه مطابقت آن با محدودیت‌های صادرات است. باید یادآوری کرد که از بند «ز» ماده ۲۰ ممکن است علیه کشورهای صادرکننده نفت استفاده شود. همانطور که ایالات متحده در مورد بنزین در مقابل ونزوئلا و برزیل عمل کرد.

بند «ح» ماده ۲۰ که معیارهایی برای پی‌گیری تعهدات بین دولت‌ها در موافقت‌نامه کالایی دارد نیز به صادرکنندگان نفت مربوط می‌شود و کشورهای عضو اپک می‌توانند در این رابطه از این ماده استفاده کنند یک استثنا خاص دیگر در گات که ممکن است به نفت مربوط شود استثنا امنیت ملی در ماده ۲۱ است. موارد استثنا در این ماده بشرح زیر است:

الف - درخواست اطلاعاتی از طرف متعاقد که افشای آن مغایر با امنیت آن کشور است.

ب - جلوگیری از فعالیت‌های طرف متعاقد که برای حفظ امنیت آن ضروری است.

این فعالیت ممکن است به موارد زیر مربوط باشد:

۱- مواد هسته‌ای و یا مواد مشتق از آن

۲- قاچاق اسلحه، مهمت و هر گونه کالای دیگری به صورت مستقیم و غیر مستقیم برای تجهیز واحدهای نظامی بکار رود.

۳- در زمان یا سایر مواقع اضطراری با تعهدات در قبال منشور سازمان ملل در مورد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.

نفت در دوران‌گونه

در دوران‌گونه در مورد تعرفه‌های نفت و فرآورده‌های نفتی بقیه از مواردی که مربوط به اتحادیه اروپا می‌شد مذاکره‌ای انجام شد. این تعرفه‌ها در بازارهای اصلی واردات نفت نظیر اتحادیه اروپا، ژاپن و ایالات متحده عموماً بسیار پایین و در اغلب موارد قابل افزایش نیست.^۱ وجود این تعرفه‌های بسیار پائین تا باید این مطلب است که تعرفه در بخش انرژی معمولاً بیشتر از سیاست انرژی ناشی می‌شود (تامین عرضه کافی) تا سیاست بازرگانی.

سطح تعرفه‌های کشورهای عمده وارد کننده نفت قبل و بعد از دوراروگوئه در جداول ۱-۴ داده شده است. در این جداول نفت و فرآورده‌های آن براساس نظام هماهنگ کالا طبقه بندی شده‌اند. کالاهای مورد بررسی شامل نفت خام، فرآورده‌های هیدروکربورها، اشکال اولیه پلاستیک و بقیه فرآورده‌های نفتی می‌باشد. با مقایسه ارقام جداول شماره ۱ و ۲ می‌توان دریافت که سطح تعرفه نفت و فرآورده‌های نفتی به شدت با هم تفاوت دارند. سطح تعرفه‌های دولت‌های کامله الوداد بعد از دوراروگوئه همچنان برای این فرآورده‌ها بیشتر از نفت خام بود. کاهش تعرفه هیدروکربورها در جدول شماره ۳، نتیجه مذاکرات دوراروگوئه است بیشتر با نتایج محصولات صنعتی منطبق است. تعرفه‌های بالا (حداقل در بازارهای صنعتی و کشورهای عمده در حال توسعه) حذف شده‌اند و کاهش عمده‌ای نیز در نرخ‌های تعرفه‌های عمومی ایجاد شده است. تعرفه‌های دولت‌های کامله الوداد برای محصولات پتروشیمی در بازارهای کشورهای توسعه یافته قبل از دوراروگوئه قابل افزایش نبود، ولی به علت تغییر تعرفه‌ها از واحد کالا به ارزش کالا، شفافیت حقوق گمرکی بیشتر شد. در جدول شماره ۴ تعرفه‌های پلاستیک در اشکال اولیه آمده است. اثر مذاکرات بر دوراروگوئه تعرفه این محصولات نظیر اثر آن بر کاهش تعرفه هیدروکربورهاست. اول تعرفه بالا حذف شده است و سپس یک تعرفه حداکثر ۶/۵ درصدی بر گروه این محصولات در سه بازار صنعتی عمده، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ژاپن برقرار گردیده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که مذاکرات دوراروگوئه اثری بر روی تعرفه‌های دولت‌های کامله الوداد در مورد نفت خام نداشت و فقط اثر محدودی بر فرآورده‌های نفتی داشته است. پس از دوراروگوئه تعرفه فرآورده‌های نفتی نه تنها در بازارهای کشورهای صنعتی بلکه در بسیاری از بازارهای کشورهای در حال توسعه هم که بازار جدیدی برای کشورهای صادر کننده نفت است کاهش یافت. به علت این که تعرفه‌های فرآورده‌های نفتی بیشتر از تعرفه مواد خام و مواد کمتر فرآوری شده نفتی کاهش یافتند، افزایش تعرفه‌های نفت شدیداً کاهش یافته است.

جدول شماره ۱: تعرفه‌های دولت کامله الوداد قبل و بعد از دوراروگوئه در بازارهای عمده وارداتی نفت خام، کد سیستم هماهنگ ۲۷۰۹

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دوراروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دوراروگوئه
اتحادیه اروپا	صفر	صفر
ایالات متحده	۵/۵ سنت در هر بشکه (قابل افزایش)	۵/۵ سنت در هر بشکه (قابل افزایش)
ژاپن	۳۵۰ ین برای هر کیلو لیتر (قابل افزایش)	۳۵۰ ین برای هر کیلو لیتر (قابل افزایش)

Source: Trade agreements, Petroleum and energy policies; UNCTAD

جدول شماره ۲: تعرفه‌های دولت کامله الوداد قبل و بعد از دوراروگوئه در بازارهای عمده واردات فرآورده‌های نفتی، کد سیستم هماهنگ ۲۷۱۰

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دوراروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دوراروگوئه
اتحادیه اروپا	۵-۷ درصد	۳/۵-۴/۷ درصد
ایالات متحده	۵/۸٪ درصد تا ۸۴ سنت در هر بشکه	۵/۸ درصد تا ۸۴ سنت در هر بشکه
ژاپن	صفر درصد تا ۳۰۳۳ ین در هر هزار کیلو لیتر تا حدی (قابل افزایش)	صفر درصد تا ۳۰۳۳ ین در هر هزار کیلو لیتر تا حدی (قابل افزایش)

Source: Trade agreements, petroleum and energy policies, UNCTAD

جدول شماره ۳: تعرفه‌های دولت کامله الوداد قبل و بعد از دوراروگوئه در بازارهای عمده واردات هیدروکربورها، کد سیستم هماهنگ ۲۹۰۱-۲۹۰۷

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دوراروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دوراروگوئه
اتحادیه اروپا	۵-۱۴ درصد	۵-۵/۵ درصد
ایالات متحده	۰-۱۸ درصد	۰-۵/۵ درصد
ژاپن	۲۴ درصد	۰-۵/۵ درصد

Source: Trade agreements, petroleum and energy policies, UNCTAD

جدول شماره ۴: تعرفه‌های دولت کامله الوداد قبل و بعد از دوراروگوئه در بازارهای عمده وارداتی پلاستیکدر شکل اولیه، کد سیستم هماهنگ ۲۹۰۷-۲۹۰۱ و ۲۷۱ و ۲۷۰۹

منطقه	دامنه تعرفه قبل از دوراروگوئه	دامنه تعرفه بعد از دوراروگوئه
اتحادیه اروپا	۱۳/۵-۸ درصد	۶/۵-۵/۷ درصد
ایالات متحده	۱۶-۰ درصد	۶/۵-۰ درصد
ژاپن	۷/۲-۴ درصد	۶/۵-۰ درصد

Source: Trade agreements, petroleum and energy policies, UNCTAD

افزایش در سرعت کاهش تعرفه که به خصوص در بازار کشورهای در حال توسعه مهم است، می‌تواند اطمینان بیشتری به کشورهای صادر کننده نفت در دسترسی به بازار این کشورها بدهد. پیشرفت محدود کاهش تعرفه نفت خام و فرآورده‌های نفتی شاید به علت مشارکت محدود کشورهای صادر کننده در مذاکرات دوراروگوئه باشد و مذاکرات بعدی با شرکت تعداد بیشتری از کشورهای صادر کننده نفت می‌تواند موقعیت بهتری را برای این کشورها به وجود آورد.

از تعرفه‌ها مهم تر مالیات‌های داخلی و عوارض مالی است که بر مصرف فرآورده‌های نفتی وضع می‌شود. این مالیات‌ها از ابزارهای تأمین مالی دولت‌هاست. معمولاً کشورهای صادر کننده نفت بطور سنتی فکر می‌کنند که مالیات‌های سنگین که در کشورهای وارد کننده نفت بر فرآورده‌های نفتی اعمال می‌شود، مانع از افزایش درآمدهای نفتی آنها می‌شود. از آنجا که این مالیات‌ها بدون اعمال تبعیض بر کلیه کالاها و وارداتی و محصولات داخلی اعمال می‌شود مغایر با قوانین گات نیست. این بدان معنی نیست که این موضوع نمی‌تواند مورد بحث و مذاکره امتیاز دهی باشد (مورد قبلی در مورد محصولات گرمسیری در دور توکیو بود). با توجه به پیشنهاد های مختلفی که درباره توسعه مذاکرات چند جانبه به حوزه سیاست داخلی کشورها شده است دلیلی بر عدم مذاکره در مورد کاهش این مالیات‌ها و عدم کاهش آن در دوره‌های آینده مذاکرات سازمان جهانی تجارت وجود ندارد.

مذاکرات آینده در مورد نفت

تمام اصول مورد استفاده در تجارت خدمات باید براساس اصل بدون قید و شرط دولت‌های کامله الوداد باشد، مگر اینکه در حوزه موافقت‌نامه‌های اتحادیه‌های منطقه‌ای که موضوع اصل ۵ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و یا موضوع زبان خاص موضوع بند ۲ ماده ۳ باشد. تعهدات تجارت در خدمات دریگک زمينه را می‌توان با تعهدات در خدمات یا کالای دیگر معاوضه کرد. در حال حاضر کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت در مورد خدمات میدان‌های نفتی تعهدی نداده‌اند ولی ممکن است در مذاکرات الحاق در آینده از آنها درخواست گردد.

برای اطلاع از محتوی مذاکرات آینده سازمان جهانی تجارت در مورد انرژی و نفت به خصوص می‌توان برخورد با این موضوع را در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد. در اکثر موارد دیدگاه‌های موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای در موافقت‌نامه‌های چند جانبه هم دیده می‌شود. در اینجا سه موافقت‌نامه منطقه‌ای که با توجه به ترکیب اعضای آن برای مساله نفت اهمیت ویژه‌ای قائل هستند اشاره می‌شود این موافقت‌نامه‌ها، موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)^۱، معاهده منشور انرژی^۲ و شورای همکاری اقتصادی آسیا، پاسیفیک (آپک)^۳ هستند. بخش انرژی نفتا اصول گات را طوری تفسیر می‌کند تا بتوان تعهدات جدیدی ایجاد کند. این موافقت‌نامه بعضی از تعهدات گات را سخت‌تر از گذشته تفسیر می‌کند و حتی در مواردی مانند حقوق و مالیات صادراتی و محدودیت‌های صادرات چیزی بر آن افزوده است. یکی از نتایج این دیدگاه محدود کردن توانایی طرف‌های تجاری نفتا در استفاده از سیستم دو قیمتی به منظور ایجاد تنوع در بخش نفت (پتروشیمی) می‌باشد. هم چنین بخش انرژی بازگشت به استثنائات گات را که برای کشورهای صادر کننده نفت بسیار مهم است، محدود کرده است.

معاهده منشور انرژی نظامی برای سرمایه‌گذاری، تجارت و ترانزیت بخش انرژی ارایه می‌دهد که شامل جامعه اروپا، اروپای شرقی و مرکزی، روسیه، کشورهای سابق شوروی، استرالیا و ژاپن

1. North America free Trade Agreement
2. Energy charter Treaty
3. Asia Pacific Economic cooperation

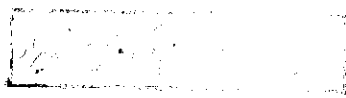
است. ریشه ایجاد این معاهده از منشور انرژی اروپا است که بعد از سقوط شوروی در سال ۱۹۹۱ برای ایجاد بازار کارای انرژی در اروپا به وجود آمد. این سازمان از خیلی جهات شبیه نفتاست با این تفاوت که همه اعضای آن عضو سازمان جهانی تجارت نیستند. قوانین هر دو اتحادیه ناشی از قوانین گات است ولی هر کدام تعبیر جداگانه‌ای از آن دارند. برای اعضای معاهده منشور انرژی که عضو گات هستند اصول گات بر قوانین دیگر برتری دارد. توافق بر سر اصول حاکم بر سرمایه گذاری در بخش انرژی یکی از اهداف مهم دولت‌های غربی در مذاکرات معاهده نامبرده است. مراحل قبل و بعد از سرمایه گذاری در این نظام باید تابع اصول دولت‌های کامله الوداد و رفتار ملی باشد. خلع ید و ملی کردن تابع شرایط کشورهای صادر کننده سرمایه است. معاهده منشور انرژی برخلاف نفتا یک ماده خاص در مورد حاکمیت منابع انرژی دارد که با ماده حمایت از سرمایه گذاری خارجی تعادل ایجاد می‌کند. مضافاً این معاهده بر حق کشورها در اداره منابع انرژی خود تأکید دارد. این قوانین در هر دو اتحادیه سهمی در مورد حفاظت محیط زیست دارند. سومین موافقت‌نامه منطقه‌ای شورای همکاری اقتصادی حوزه آسیا پاسیفیک است که در سال ۱۹۹۰ ایجاد شده است. سیاست‌های این شورا توسط گروه کاری انرژی اتخاذ می‌شود و توسط وزارت بازرگانی یا انرژی کشورهای عضو تأیید می‌شود. در سال ۱۹۹۶ وزرای نامبرده ۱۴ اصل غیر الزام آور سیاست انرژی را تأیید کرده‌اند. ایالات متحده خواهان انجام مذاکرات منطقه‌ای و چند جانبه که بر تجارت کالا و خدمات مربوط به انرژی اثر دارد، می‌باشد. اهداف این کشور در این مذاکرات ترکیبی از سیاست ملی (توسعه صادرات و دسترسی به مواد اولیه)، امنیت (ایالات متحده به علت اختلافی که با بعضی از کشورهای صادر کننده نفت دارد نیاز به امنیت در تأمین واردات نفت خود دارد) و حفظ محیط زیست است. از این جهت آمریکا سعی دارد حاکمیت خود را در محدودیت بر واردات به بهانه امنیت و حفظ محیط زیست اعمال کند و در همان حال صادرات کالاهای مربوط به انرژی، خدمات و سرمایه را افزایش دهد. سیاست آمریکا در مورد تجارت انرژی همیشه با توجه به اهداف اقتصادی و امنیتی آن کشور تنظیم شده است. به علت نقش خاص انرژی در امنیت این کشور، بخش انرژی در الحاق به سیستم جهانی تجارت مقاومت دارد. امنیت انرژی برای آمریکا در موارد زیر اهمیت دارد.

- ۱- احتیاج به دسترسی مطمئن به نفت که یک کالای حیاتی و استراتژیک است.
- ۲- وجود حربه نفت در دست کشورهای صادر کننده نفت
- ۳- ثروت نفت به طور بالقوه می تواند به دولت های متخاصم آمریکا قدرت بدهد.

اهداف اقتصادی و امنیتی آمریکا در تعیین سیاستهای انرژی همیشه در تعارض نیستند. آنها در یک نقطه اساسی کاملاً با هم سازگارند. به نفع آمریکاست که منابع تولید گوناگون در دنیا را تشویق کند و تولید کشورهای جهانی را بر حسب محصول و منطقه متنوع سازد. این امر از آنجا که زیاد ایالات متحده به هر کشور یا منطقه می کاهد و به طور همزمان صادرات کالا، خدمات و سرمایه رابه مناطق جدید میسر می سازد. در حالی که اهداف سیاسی و اقتصادی در مورد صادرات و واردات هماهنگ هستند، این اهداف می توانند در مورد واردات انرژی متضاد باشند. اگر چه واردات انرژی بازتاب امنیتی پیچیده ای دارد منافع اقتصادی ایالات متحده ایجاب می کند که به طور نسبی به انرژی وارداتی دسترسی داشته باشد. روی این اصل برای این کشور مهم است که بتواند به دلایل امنیتی واردات انرژی خود را موقتاً محدود سازد. این محدودیت ها که ممکن است بر حسب کشور یا به صورت جهانی باشد. اگر این محدودیت ها با مخالفت مواجه شود آمریکا آن را به عنوان استثناء امنیت ملی قلمداد می کند (اصل ۲۱ گات). به هر حال قصد آمریکا از این که استثناء امنیت ملی موجود در قوانین گات را تحت نظام نفتا در آورد، معلوم نیست.

اثر شمول نفت بر کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت

اگر تجارت نفت مانند دیگر کالاها که در چهارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت تعرفه آنها در حال کاهش است و قیمت آن با توجه به حذف محدودیت کمی که میل به قیمت های رقابتی دارد تعیین شود، چه اثرات اقتصادی در پی خواهد داشت؟ در این روند گروه های مختلفی تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. این گروه ها شامل کشورهای عضو و غیر عضو سازمان جهانی تجارت، کشورهای عضو اوپک، دولت های کشورهای وارد کننده نفت، کشورهای در حال توسعه وارد کننده نفت و کشورهای صادر کننده نفت غیر اوپک می شود. علاوه بر آن



سازمان‌هایی نظیر آژانس بین‌المللی انرژی، اتحادیه منطقه‌ای نفتا و شورای منشور انرژی هم از این تأثیر بر کنار خواهد ماند.

وقتی بحث نفت مانند دیگر کالاها در مذاکرات سازمان جهانی تجارت وارد شود و قیمت گذاری آن در شرایط آزاد و رقابتی انجام گیرد، عوامل سیاسی و روابط غیر متعادل بین کشورهای وارد کننده و صادر کننده نفت دیگر نقشی در تعیین قیمت نفت نخواهند داشت و نفت از حالت یک کالای استراتژیک و سیاسی به یک کالای معمولی تبدیل خواهد شد. در صورت شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت امتیازات و محدودیت‌های زیر برای کشورهای عضو ایجاد خواهد شد.

الف- اولین امتیازی که کشورهای صادر کننده نفت عضو در این رابطه کسب می‌کنند دفاع این کشورها از منافع تجاری خود در چهارچوب مقررات و تشکیلات حل اختلاف سازمان جهانی تجارت است. از آنجا که کشورهای صادر کننده نفت به علت فقدان نفوذ سیاسی و اقتصادی کافی قادر به ایجاد تعهدات یک‌جانبه برای طرف تجاری خود نیستند، در چهارچوب مقررات حل اختلاف سازمان جهانی می‌توانند به حقوق خود برسند. ذکر چند مورد داوری گات و سازمان جهانی تجارت در مورد اختلافات نفتی بین ایالات متحده و کشورهای دیگر در قسمت‌های قابل اهمیت این موضوع را روشن ساخت.

- گروه داوری سازمان جهانی تجارت در حکم خود ایالات متحده را به خاطر تدوین قانون کنترل آلودگی که برای واردات نفت از ونزوئلا تبعیض قائل شده بود و با قوانین سازمان جهانی تجارت مغایر بود، مقصر دانست.
- سعی آمریکا را برای از بین بردن ۱۰ سال فعالیت دورارو گوئه برای محو سهمیه منسوجات ناکام کرد.
- آمریکا از ترس مخالفت سازمان جهانی تجارت از تهدید خود دایر بر تحمیل تحریم غیرقانونی بند ۱-۳ در مورد اختلاف خود بر سر واردات اتومبیل از ژاپن صرف نظر کرد.

ب - دومین امتیاز، امکان دسترسی به بازار برای کشورهای صادر کننده نفت است که شاید برای بعضی از این کشورها به علت اینکه کالاهای متنوعی صادر نمی کنند اهمیت زیادی نداشته باشد.

ج - یکی از محدودیت‌هایی که عضویت در سازمان جهانی تجارت برای کشور عضو ایجاد میکند مطابقت سیاست‌های نفتی کشورهای صادر کننده نفت با سیاست‌های این سازمان است. مهم‌ترین مساله در سیاست نفتی کشورهای صادر کننده نفت دو قیمتی بودن محصول آنهاست. قیمت فرآورده‌های در داخل ارزان‌تر از قیمت صادراتی آن است و کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت از این طریق می‌توانند با کاهش هزینه سوخت، قیمت تمام شده صادرات صنعتی خود را کاهش دهند و به توانایی خود در رقابت در بازار بین‌المللی بیفزایند. براساس اصل رفتار ملی^۱، اعضای سازمان جهانی تجارت نمی‌توانند یک نظام دو قیمتی بر کالاهای خود اعمال کنند و کشورهای غیر عضو پس از عضویت این امتیاز را از دست خواهند داد.

د - کاهش حقوقی گمرکی بر واردات نفت براساس اصول اولیه تشکیل گات است. با کاهش تدریجی حقوق گمرکی، قیمت تمام شده نفت برای مصرف کننده کاهش می‌یابد و باعث افزایش تقاضا می‌شود.

ه - تسری این کاهش به کلیه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت براساس اصل دولت‌های کامله الوداد.

و - کاهش مالیات بر پالایش و فروش محصولات نفتی در کشورهای عضو براساس اصل رفتار ملی.

ز - ایجاد محدودیت کمی بر صادرات و واردات براساس اصل ۱۱ گات ۱۹۹۴ ممنوع است ولی تجارت نفت براساس اصل ۲۰ (استثنائات عام) و اصل ۴ (امنیت ملی) از این قاعده مستثنی است.

۱. طبق ماده ۳ گات، ماده ۱۷ GATS و ماده ۳ TRIPS هر کشور عضو باید رفتار مشابهی نسبت به کالاها، خدمات، علائم تجاری و کپی رایت و حق الامتیاز داخلی و وارداتی داشته باشد.

علاوه بر تاثیرات فوق، شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت می تواند مختلف بر واحدها و فعالیت های اقتصادی مختلف در کشورهای صادر کننده نفت عضو سازمان جهانی تجارت اثر بگذارد. اولین واحد متأثر از این تغییر بخش تولید نفت است. با تغییر قیمت نفت و رقابتی شدن چندین تحول در بخش تولید ایجاد می شود.

الف- بالا رفتن کارایی بخش نفت

با عضویت یافتن کشورهای صادر کننده نفت در سازمان جهانی تجارت، شرکت های نفتی خارجی مجاز به فعالیت در این کشورها خواهند بود. در محیط رقابتی جدید شرکت های داخلی برای حفظ رقابت ناچار به استفاده بهینه از منابع خود اعم از نیروی کار، تکنولوژی و مواد اولیه هستند. همزمان نیروی کار داخلی از ترس از دست دادن موقعیت شغلی و کار خود ناچار به بهبود کیفیت کار و افزایش کارایی است. به کارگیری نیروی متخصص و کارآمد، هزینه تمام شده تولید را کاهش می دهد. در حال حاضر اختلاف فاحشی در هزینه تولید نفت در سراسر دنیا وجود دارد. البته موقعیت چاه و اندازه منبع آن که نقش ذاتی در تعیین هزینه تولید دارد برای این منظور در نظر گرفته نمی شود و فقط هزینه نیروی کار مورد نظر است.

ب- بالا رفتن کارایی در بخش های دیگر اقتصاد

بهبود کارایی و استفاده از تکنولوژی جدید و مهارت های انسانی و مدیریتی پیشرفته در بخش نفت در دراز مدت به بخش های دیگر اقتصاد هم سرایت می کند.

ج- کاهش نیروی کار در بخش نفت

بدنبال افزایش کارایی در این بخش نیاز به افراد کمتری پیدا خواهد شد چون صنعت نفت یک صنعت سرمایه بر است و به نسبت صنایع دیگر نیاز به نیروی کار کمتری دارد، این کاهش نیروی کار تاثیر چندانی بر روی افزایش بیکاری نخواهد داشت.

د - افزایش درآمد در اثر کاهش قیمت

با کاهش مالیات وضع شده بر مصرف نفت در کشورهای صنعتی وارد کننده نفت، قیمت محصولات برای مصرف کننده کاهش می‌یابد و تقاضای آن بالایی رود. با کاهش قیمت نفت، استفاده از سوخت‌های هیدروکربوری اقتصادی‌تر است. علاوه بر آن، دبیرخانه گات در سال ۱۹۹۴ پیش‌بینی کرد که از سال ۲۰۰۵، با دسترسی کشورهای بیشتری به بازارهای کالاها و خدمات در جهان، درآمد دنیا سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت، ایندراآمد اضافی صرف خرید نفت که در اولین مرحله تولید کالاها قرار دارد، می‌شود و برای کشورهای صادر کننده نفت درآمد بیشتری ایجاد می‌کند.

ه - افزایش دسترسی به بازار و تنوع صادرات

اغلب کشورهای جهان سوم علاقمند به دسترسی به بازار کشورهای پیشرفته جهان مانند ایالات متحده، ژاپن و اروپا هستند که رسیدن به آن کار آسانی نیست. یکی از مزایای مهمی که در کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت از آن برخوردارند، دسترسی آنها به بازار محصولات در اثر کاهش و تثبیت تعرفه است. با این مکانیسم‌های کشورهای که مزیت نسبی بیشتری در تولید نفت خام و فرآورده‌های آن دارند در شرایط بازرگانی مساوی وضعیت بهتری از کشورهای دیگر دارند.

و - رشد سرمایه‌گذاری

با آزاد سازی تجارت و رفع محدودیت‌های انتقال سرمایه و نیاز بازار به محصول بیشتر، سرمایه‌گذاری در بخش نفت رونق بیشتری خواهد یافت.

ز - کاهش کنترل بر صنعت نفت

از آنجا که صنعت نفت در هر کشور یک صنعت استراتژیک محسوب می‌شود حفظ کنترل این صنعت حایز اهمیت است. عضویت در سازمان جهانی تجارت، ورود شرکت‌های خارجی را

مجاز می‌داند و رقابت این شرکت‌ها و تلاش آنها برای کسب سهم بیشتری از بازار، باعث تضعیف شرکت‌های نفتی داخلی و بیکاری بخشی از شاغلین بخش نفت می‌شود.

اثرات شمول نفت در سازمان جهانی تجارت برای کشورهای غیر عضو

شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت می‌تواند بدرجات مختلف بر واحدها و فعالیت‌ها و عوامل اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت اثر گذارد. اولین واحدی که از این تغییر متأثر می‌شود واحد تولیدکننده نفت است. با تغییر در قیمت نفت و رقابتی شدن آن و رفع موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت آن چندین تحول در واحدهای تولیدی نفت ایجاد می‌شود.

۱- بالا رفتن قیمت صادرات نفت و درآمد کشورهای صادرکننده نفت: اکثر کشورهای صادرکننده نفت برای تامین منابع ارزی و بودجه خودبه‌درآمد نفت متکی هستند و هرگونه تغییری در این درآمد اثر نسبتاً زیادی بر رشد اقتصادی و کارکرد اقتصاد آنها دارد. با شمول نفت در مذاکرات سازمانی جهانی تجارت، کشورهای صنعتی واردکننده نفت که بزرگ‌ترین واردکننده نفت در دنیا هستند براساس ضوابط آن سازمان مجاز به اعمال مالیات بر کالاهای وارداتی کشورهای دیگر بیشتر از مالیات بر کالای مشابه داخلی نیستند. این محدودیت منجر به کاهش مالیات بر پالایش و توزیع فرآورده‌های نفتی می‌شود. در حال حاضر این مالیات از ۱۰/۵ درصد در ایالات متحده تا ۷۵ و ۸۰ درصد در مورد کشورهای انگلستان و فرانسه متغیر است. طبق بررسی صندوق بین‌المللی پول افزایش قیمت نفت از بشکه‌های ۲۵ دلار به ۳۰ دلار بین ۰/۳ تا ۰/۵ درصد از رشد اقتصاد جهانی می‌کاهد. بعلاوه اگر چه نفت خام و فرآورده‌های آن تعرفه وارداتی بالایی ندارد، پس از شمول نفت، کشورهای عضو باید در مذاکرات خود تعرفه آن را کاهش دهند. نتیجه این فرآیند کاهش قیمت مصرف‌کننده و افزایش تقاضاست.

تقاضای نفت برای مصارف گوناگون دارای کشش‌های قیمتی و در نتیجه کشش درآمدی مختلف می‌باشد. هر چه کشش قیمتی تقاضا بیشتر باشد تأثیر آن بر افزایش درآمد عرضه‌کننده بیشتر است. از آنجا که برای مثال در آمریکا و اروپا به فرآورده‌های نفتی به ترتیب از ۷۶٪ و ۶۷٪ نفت به صورت بنزین و فرآورده‌های میانی تقطیر است که برای سوخت اتومبیل‌ها و گرم کردن

منازل مصرف می‌شود، کاهش قیمت این محصولات به نسبت بیشتری باعث افزایش در آمد کشور صادر کننده نفت می‌شود. اثر قیمت نفت و مالیات کشورهای صنعتی بر آن را می‌توان از تجربه گذشته استنباط کرد. بعد از بحران اول نفت در سال ۱۹۷۳، دولت‌های کشورهای صنعتی برای کاهش تقاضا، مالیات بر مصرف فرآورده‌های نفتی را افزایش دادند. در طی ده سال پس از آن مصرف نفت در ژاپن و اروپای غربی ۲٪ و در ایالات متحده ۱۴٪ کاهش یافت، در حالی که در کشورهای اروپای شرقی و شوروی به علت عدم وجود این نظام قیمت گذاری و بعضی مسایل دیگر مصرف نفت ۴۰٪ افزایش خواهد یافت.

نظام قیمت گذاری نفت در حال حاضر ناشی از تلاقی عرضه و تقاضای کلی نفت در بازار جهانی از یک طرف و عملکرد و توافق اعضای اپک در مورد تعیین مقدار تولید نفت این سازمان که تحت تاثیر روابط بین کشورهای صنعتی وارد کننده نفت و اعضای اپک و فشارهایی که در شکل‌های سیاسی و اقتصادی به این اعضا وارد می‌شود از طرف دیگر می‌باشد. در عین حالی که در حال حاضر اپک ۴۰٪ تولید نفت دنیا را در دست دارد، مقدار تولید کشورهای تولید کننده عمده غیر عضو نظیر ایالات متحده، روسیه، مکزیک، چین، نروژ، انگلستان و کانادا تابع مقدار عرضه اپک است و قیمت نفت این تولید کنندگان تابع قیمت بازار است که بیشتر متأثر از مقدار تولید اعضای اپک است.

۲- دومین اثر که ناشی از ازدیاد تقاضای کشورهای صنعتی برای نفت می‌باشد، کاهش ذخیره نفت در کشورهای نفت خیز است. تقاضای نفت کشورهای در حال توسعه نیز که در دهه ۱۹۷۰ حدود ۲۶٪ کل تقاضای جهان بوده است در حال حاضر به ۴۰٪ رسیده است که ناشی از افزایش تولیدات کارخانه‌ای در این کشورها است. هر چند که تاریخ نفت نشان می‌دهد که همیشه به موازات تهی شدن منابع نفتی، ذخیره‌های جدیدی از نفت در نقاط مختلف دنیا کشف شده است ولی به طور منطقی ذخیره‌های کشف شده و کشف نشده در مجموع همیشه رو به کاهش است و با روند کنونی رشد مصرف نفت (سالانه ۲/۴٪) و علیرغم این واقعیت که سهم نفت در انرژی مصرفی دنیا از ۴۵٪ در سال ۱۹۷۳ به ۳۵٪ در سال ۱۹۹۶ رسیده است، زمان استفاده از این منابع نامحدود نخواهد بود. با توجه به این نکته کشورهای صادر کننده نفت اعم از عضو یا غیر عضو

اپک باید در طول یک زمان منطقی منابع خود را تبدیل به سرمایه کرده و از آن در راه توسعه اقتصادی و خارج شدن از اقتصادی تک محصولی استفاده کنند.

۳- با پیوستن اکثر اعضای اپک به سازمان جهانی تجارت (در حال حاضر فقط ۶ کشور از ۱۱ عضو اپک در سازمان جهانی تجارت عضویت دارند و دو کشور ناظر هستند)، این کشورها مجاز به محدود کردن مقدار صادرات نفت خود نخواهند بود. به این ترتیب اپک پس از سال‌ها اعمال سیاست‌های قیمت گذاری خود از طریق محدودیت تولید و صادرات دیگر بجز در شرایط خاصی مجاز به استفاده از این وسیله خواهد بود.

اثر شمول نفت بر صنایع جانبی نفت کشورهای غیر عضو

علاوه بر تاثیر شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت این شمول بر صنایع جانبی بخش نفت کشورهای غیر عضو هم اثر خواهد گذاشت. این صنایع شامل صنایع بالا دستی و پایین دستی هستند. صنایع بالادستی تولید کننده ماشین آلات، ابزار و وسایل مورد نیاز صنعت بعلاوه خدمات مهندسی لازم برای این کار است. صنایع پایین دستی کارخانجات تولید مواد پتروشیمی و محصولات شیمیایی هستند.

الف - با بالا رفتن تقاضا برای نفت نیاز به سرمایه گذاری در بخش نفت افزایش می‌یابد. چون بخشی از نیاز به ماشین آلات باید از بازار داخل تأمین شود، علاوه بر اینکه توسعه فروش نفت، درآمد تولید کنندگان ابزار و وسایل مورد نیاز صنعت نفت را افزایش می‌دهد، افزایش تولید باعث کاهش هزینه و بهبود کیفیت این گروه از کالاها می‌شود و در نتیجه امکان رقابت در بازار بین المللی را برای آنها فراهم می‌سازد.

ب- واحدهای تولید مواد پتروشیمی در کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت (که اکثراً عضو سازمان جهانی تجارت نیستند) اغلب براساس وجود مزیت نسبی در دسترسی به مواد اولیه ارزان ایجاد شده‌اند. بنابراین تا زمانی که با مواد اولیه ارزان تغذیه شوند عدم کارایی آنها در تولید مشهود نیست و می‌توانند به کار خود ادامه دهند. شمول نفت در مذاکرات سازمان جهانی تجارت تاثیری بر سیاست دو گانه قیمت مواد نفتی در داخل کشورهای غیر عضو ندارد از این رو

شرکت‌های پتروشیمی را از برخورداری از مواد اولیه ارزان محروم نمی‌سازد. در عوض بعلت آزاد سازی، قیمت نفت در سطح بین‌المللی کاهش پیدا می‌کند و در بازارهای بین‌المللی کاهش پیدا می‌کند و کشورهای صادرکننده نفت را به طور نسبی از استفاده از ماده اولیه ارزان‌تر محروم می‌سازد.

ج- در مورد اثر بر بخش کشاورزی و صنعت باید گفت در هر یک از کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت بر حسب ساختار اقتصادی که دارند درجه پیوندی که بین بخش نفت و سایر بخش‌ها وجود دارد، تغییراتی در بخش‌های صنعت و کشاورزی ایجاد خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از بررسی فوق‌چنین بر می‌آید که تاکنون نفت یکی از استراتژیک‌ترین کالاها در دنیا بوده است و باین دلیل در مذاکرات گذشته (بجز موارد مربوط به اتحادیه اروپا) درباره آن مذاکره‌ای صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد که کشورهای مصرف‌کننده صنعتی دنیا به قیمت‌گذاری نفت و مقدار تولید در بازار آزاد رغبتی ندارند و مایلند عامل سیاست در معاملات نفتی نقش مهمی داشته باشند، علیرغم این که به ناچار در طول زمان به ایجاد و ادامه حیات اپک تن در داده‌اند. در مقابل کشورهای صادرکننده نفت عضو اپک هم مانند سایر کشورها خواهان عضویت در سازمان جهانی تجارت هستند و باید به خواست‌ها و منافع خود در مورد صادرات نفت، با آشنایی و استفاده از مفاد موافقت‌نامه‌های موجود، دست یابند و با حضور خود در این مجمع جهانی در تصمیم‌گیری‌های این سازمان دخالت داشته باشند و بتوانند از حقوق بازرگانی خود با روش‌های سازمانی و مسالمت‌آمیز دفاع کنند. علاوه بر آن از این که کشورهای صادرکننده نفت بعلت فقدان نفوذ سیاسی و اقتصادی کافی قادر به ایجاد تعهدات یک‌جانبه در مقابل طرف تجاری خود نیستند، این کشورها می‌توانند با عضویت در سازمان جهانی تجارت، اختلافات خود را با شرکای تجاری به نحو احسن حل کنند.

کاهش حقوق گمرکی بر واردات نفت که باعث کاهش قیمت تمام‌شده نفت برای مصرف‌کننده و نهایتاً افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش درآمد کشورهای صادرکننده نفت می‌گردد نیز

می تواند دلیلی برای پیوستن کشورهای صادر کننده نفت به سازمان جهانی تجارت و شمول بحث نفت در مذاکرات این سازمان باشد.

بالا رفتن کارایی در بخش نفت به علت ورود شرکت های بین المللی در فعالیتهای نفتی کشور در حال توسعه و همچنین سرایت این کارایی به دیگر بخش های اقتصادی هم می تواند انگیزه دیگری برای تقاضا برای شمول بحث نفت در سازمان جهانی تجارت باشد.

در مقابل بخشی از مزایایی که در شمول بحث نفت در سازمان جهانی تجارت وجود دارد، باید از حداقل در محدودیت که یکی از دست دادن اختیار در تنظیم سیاست های انرژی کشورهای صادر کننده نفت و دیگری بیکاری ناشی از ورود شرکت های بین المللی نفت به این کشورهاست نام برد.

طبیعی است که عضویت در سازمان جهانی تجارت در عین حالی که جنبه های هزینه و فایده اقتصادی دارد، دارای جنبه ای قوی سیاسی و حضور در مجامع عمده بین المللی برای مشارکت در امور جهانی نیز می باشد و باعث شده است ۱۴۱ کشور دنیا با در دست داشتن ۹۰ درصد بازرگانی جهان عضویت آن را بپذیرند.

منابع

www.american.edu

www.crne.org

www.eia.doe.gov

www.opec.org

www.medeab.be

www.wto.org

www.financeasia.com

www.moles.org

www.twinside.org.sg

www.oneworld.org

www.ncmonline.com

Faidsl Al-Hajji, *Almajalah*, Dec 12, 1999, WTO should treat oil as a commodity UNCTAD secretariat Trade Agreements, Petroleum and Energy Policies